مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی ، شماره ۱۸ ، زمستان ۱۳۹۸جلد۲، ص۳۱-۲۲
http://www.jisc.ir

مقایسه سخت‌کوشی و سبک‌های هویت در فرزندان طلاق و غیرطلاق

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۳۱-۲۲

نسیم فرحزادیان[۱]، پانته‌آ جهانگیر[۲]
[۱] کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
[۲] استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن تهران، ایران

نام نویسنده مسئول:
نسیم فرحزادیان

چکیده

طلاق از بحران‌های بزرگ زندگی افراد یک خانواده با پیامدهای مختلف برای والدین و فرزندان محسوب می‌شود. بر اساس فرض این پژوهش با توجه به حس ناامنی که فرزندان در فرایند طلاق تجربه می‌کنند، میزان سخت‌کوشی در فرزندان طلاق و غیرطلاق متفاوت خواهد بود. همزمان انتظار می‌رود که این حادثه تأثیر در شکل‌گیری سبک هویت را نیز هموار سازد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر مقایسه سخت کوشی و سبک هویت در دو گروه فرزندان طلاق و غیر طلاق نیز دارد. به این منظور نمونه شامل ۱۱۲ نفر دختر در مقطع دبیرستان منطقه ۱۸ تهران در این پژوهش به صورت نمونه گیری در دسترس شرکت داده شدند و در دو گروه فرزندان طلاق و غیر طلاق تقسیم شدند. ابزارها در این پژوهش شامل پرسش نامه سخت کوشی کوباسا و پرسش نامه سبک هویت برزونسکی بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی (جدول فراوانی و درصد انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تی مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیره) استفاده شده است. تحلیل‌های آماری نشان داد که بین سخت کوشی و سبک هویت فرزندان طلاق و غیر طلاق تفاوت وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر تمام خرده مقیاس‌های سخت کوشی به جز مبارزه جویی در دو گروه معنادار شد. همچنین تمام خرده مقیاس های سبک هویت به جز سبک هویت اطلاعاتی در دو گروه معنادار شد ($p<۰/۰۵$).

واژگان کلیدی: فرزندان طلاق، سخت کوشی، سبک هویت

مقدمه

طلاق[1] و افزایش روز افزون آن در قرن حاضر برای زنان و مردان متأهل و کسانی که در تدارک تشکیل خانوده هستند زنگ خطری به شمار می‌آید. طلاق معضلی است که ذهن بسیاری از کودکان و نوجوانان را به خود مشغول می‌کند. طلاق یک مبارزه طولانی و دشوار برای پدر و مادر و فرزندان است. نرخ طلاق در سراسر جهان سر به فلک کشیده است به ویژه در شمال اروپا، کانادا، استرالیا و نیوزلند (۱). پژوهش ها نشان می‌دهد که خاستگاه نیمی از بزهکاران، خانواده های از هم پاشیده است. وقتی که فقر، در هم ریختگی عصبی، عصیان و پرخاش منجر به بن بست و گسست زندگی می‌شود، از جمله افرادی که مستعد آسیب پذیری بسیار می‌باشند، نوجوانان هستند (۲). سالهاست که تحقیقاتی در زمینه های خانواده های طلاق و تأثیر آن بر کودکان و نوجوانان انجام گرفته است. بر اساس مطالعات انجام شده کودکان تا یک سال بعد از جدایی تحت تأثیرات منفی جدایی قرار می‌گیرند. از آنجایی که اکثریت آنان نمی‌توانند با شرایط بعد از طلاق والدینشان سازگار شوند از اینرو مشکلاتی نظیر پرخاشگری، مشکلات روانی، تکانشگری، هیجان های افراطی، بیش فعالی و اضطراب از خود نشان می‌دهند (۳).

گاهی اوقات با ازدواج مجدد والدین شرایط برای فرزندان دشوار تر می‌شود. مطالعات از یک بررسی در هلند نشان داد که که پدرانی که ازدواج مجدد داشتند، در تماس کمتر با فرزند بزرگسال خود بودند و پشتیبانی کمتری داشتند در نتیجه کیفیت رابطه با فرزند خود فقیرتر از پدرانی بود که ازدواج مجدد نداشتند (۲). احساس عدم امنیت و ترس به طور فزاینده ای در فرزندان طلاق دیده می‌شود و معمولاً از ارتباط با همسالان به دلیل این عدم امنیت اجتناب می‌کنند (۱). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که میزان رشد عاطفی و اجتماعی کودکانی که در خانواده های طلاق بزرگ می‌شوند معمولاً در مقایسه با سایر کودکانی که در خانواده های عادی رشد می کنند کمتر است (۳). ازدواج زودرس به ویژه برای دختران، اعتماد به نفس منفی، اختلال هویت، ضعف سلامت جسمی و روانی بی خوابی، سوء تغذیه، بی اشتهایی یا پرخوری عصبی و ...) احساس درماندگی و سرخوردگی از پیامدهای طلاق است (۴). فرای و شر[2](۲۰۱۰) در تحقیقات خود در زمینه فرزندان طلاق به این نتیجه رسیدند که این فرزندان در زمینه‌های پیشرفت، برتری جویی، علاقه به کسب مهارت، پشتکار در کارها، استقامت و تحمل وقایع منفی زندگی در آینده کاستی هایی نشان می‌دهند (۵). ویور و اسکوفیلد [3] نشان داده اند که بر خلاف پژوهش هایی که گفته می‌شد که فرزندان طلاق بعد از ۲ سال به شرایط عادی برمی‌گردند، این تغییرات در فرزندان طلاق تقریباً پایدار است. فرض پژوهش این است که یکی از آثار طلاق روی سخت کوشی فرزندان است. سخت کوشی نوعی ویژگی شخصیتی است که به عنوان عاملی برای ارتقا سلامتی تلقی می‌شود (۶). و اشاره دارد به توانایی پردازش مناسب محرک های درونی و بیرونی مفهوم سخت کوشی را نباید صرفا در نیروهای خاص برای تحمل فشارهای روانی خلاصه کرد بلکه وجود این سازه فرد را در شرایط دشوار به پیش می‌راند و او را یاری می کند که وقایع تهدید آمیز را با موفقیت بیشتری پشت سر گذارد. سخت کوشی توانایی درک درست شرایط پیرامون و قابلیت تصمیم گیری مطلوب در مورد خویشتن است (۷). مدی[4] و سالوادور(۸) سه ویژگی شخصیتی را بررسی کردند که روی هم آن ها را سخت کوشی (استقامت) نامیدند. این سه ویژگی عبارتند از: کنترل، تعهد و چالش تعهد یعنی پافشاری و سماجت فرد در هر کاری که انجام می‌دهد و اعتقاد به اینکه حتی اگر استرس ها تا سطح مخاطره آمیزی افزایش یابند، او به اهدافش دست می یابد (۹). منظور از کنترل توانایی فرد در احساس و عمل کردن به شیوه ای است که انگار فرد در مواجه با پیشامدها و حوادث متنوع زندگی دارای نفوذ و قدرت است و بالاخره چالش بر این باور اشاره دارد که تغییرات در زندگی بیشتر از اینکه تهدیدی برای امنیت باشد، انگیزه جالبی را برای رشد فراهم می‌کند (۸). بنابراین به هنگام مواجه با تغییرات پر استرس و شکست ها، افراد سخت کوش نه تنها تلاش بیشتری برای کنترل موقعیت نشان می‌دهند بلکه آن را به عنوان تجربه ای جالب و ارزنده در نظر می گیرند.شپرد[5] نشان داد نوجوانانی که سطح بالایی از استرس را گزارش کردند در دو مولفه کنترل و تعهد نمره پایینی کسب کرده بودند (۶). بر اساس پژوهش شریفی، عریضی و نامداری به نقل از قاسمی قمی با عنوان رابطه بین عملکرد خانواده و سخت کوشی نتایج حاکی از آن بوده که رابطه مثبت و معناداری بین عملکرد خانواده و سخت کوشی در کل نمونه و گروه های دختران و پسران است. همچنین ابعادی از عملکرد خانواده در تحلیل رگرسیون به عنوان پیش بینی کننده سرسختی تعهد، کنترل و مبارزه جویی ظاهر شدند (۱۰).

فرض دیگر پژوهش این است که حادثه طلاق در هویت یابی[6] و سبک هویت فرزندان تأثیر گذار است. این فرزندان به دلیل اینکه در خانواده آشفته زندگی کرده اند و پدر و مادر درگیر مسائل و مشکلات خود بوده اند و از طرفی به دلیل نبود یک والد و نداشتن الگو برای همانند سازی در کسب هویت با مشکلاتی مواجه هستند. یکی از موارد مهمی که باعث می‌شود فرزندان دوران نوجوانی را به سلامت پشت سر بگذارند و گرفتار انحرافات نشوند پیدا کردن هویت آنها و حقیقت خویشتن خویش و نگاه واقع بینانه به دنیای پیرامون است. همچنین یکی از عواملی که باعث می‌شود آنها خویشتن خود را دریابند احساس آنها در مورد خانه و خانواده و داشتن امنیت در خانواده است (۱۱). نجارپور

[1] - divorce
[2] - Fry & Scher
[3] - Weaver & Schofield
[4] -Maddi
[5] - Shepperd
[6] - identity formation

استادی(۱۳۸۷؛ به نقل از فرزانه خو و همکاران) (۱۲)، در تحقیقی با عنوان رابطه جو عاطفی خانواده، خودپنداره، عزت نفس و پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر شکل گیری هویت جوانان به این نتیجه رسید که افراد دارای جو عاطفی- خانودگی مساعد، خودپنداره مثبت، عزت نفس بالا داشته و پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا داشته از نظر شکل گیری هویت بهتر از سایرین هستند (۱۲). مهم ترین نظریه مطرح در خصوص هویت نظریه اریکسون[1] است. به نظر او هویت وحدتی است که بین سه سیستم زیستی- اجتماعی و روانی به وجود می آید و مبتنی بر رشد روانی – اجتماعی فرد در زمان گذشته می باشد. اگر فرد مراحل پیشین رشد را با موفقیت پشت سر گذاشته باشد و تعارضات آن را به نحو مطلوب حل کرده باشد با احساس شایستگی و کفایت شخصی با بحران هویت روبه رو خواهد شد (۱۳). برزونسکی با استناد به نظریه کنترل هویت به ارائه مدلی پرداخته است، که روی تفاوت های فردی در زمینه پردازش شناختی – اجتماعی نوجوانان در رویارویی یا اجتناب از سازماندهی یا سازماندهی مجدد مسائل مربوط به هویت تأکید می‌کند (۱۴). برزونسکی(۱۵) هویت را یک نظریه راجع به خویشتن می‌داند و معتقد است که افراد به سبک ها و شیوه‌های مختلف به نظریه پردازی راجع به خود می‌پردازند. وی سه سبک نظریه پردازی را در رابطه با نحوه پاسخ به سؤالات در افراد مطرح می‌کند که عبارتند از: سبک علمی(اطلاعاتی)، خبری(هنجاری) و موقعیتی(سردرگم) سه نوجوانانی که از این جهت گیری ها استفاده می‌کنند به عنوان نظریه پردازان خود عمل می‌کنند (۱۶). افراد با سبک هویت اطلاعاتی ساختار هویت خود گشوده دارند و به طور آگاهانه و فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند (۱۷)، و سپس اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند و زمانی که با بازخوردهای ناهمانگ روبه رو می‌شوند، تمایل به آزمون، تجدید نظر و انطباق ساختار هویت خود با اطلاعات و شرایط جدید دارند (۱۵). افراد با هویت زودرس از سبک هویت هنجاری استفاده می‌کنند. این افراد با درونی کردن ارزش ها و باورهای «دیگران مهم» و به دلیل عدم استفاده از خودارزیابی های سنجیده، با موضوعات مربوط به هویت به صورت خودکار مواجه می‌شوند (۱۸). مطالعات نشان می‌دهد که افراد هنجاری وظیفه شناس و سازگار هستند، احساس جهت گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند و احساس مثبتی از بهزیستی دارند. اما این افراد در مواجهه با ابهام تحمل کمی از خود نشان داده، نیاز بالایی نسبت به ساختار دارند و در برابر اطلاعاتی که نظام ارزشی و باورهای آنان را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند (۱۸). سبک هویت هنجاری رابطه منفی با رشد و استقلال شخصی دارد (۱۶). سبک هویت سردگم/ اجتنابی با راهبردهای مقابله ای هیجان مدار، انتظارات کنترل بیرونی، راهبردهای تصمیم گیری غیر انطباقی، تغییر پذیری مقطعی، روان رنجورخویی و واکنش های افسرده گون رابطه مثبت و با آگاهی از خود، مقاومت شناختی، وظیفه‌شناسی و شاخص های بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد (۱۴). فیلیپس[2] و پیتمن[3](۲۰۰۷؛ به نقل از فکیر (۱۹)، نشان دادند که افراد دارای سبک هویت سردرگم- اجتنابی، در مقایسه با شرکت‌کنندگان دارای سبک اطلاعاتی و هنجاری در برخی از شاخص های چندگانه بهزیستی(شامل نفس، خوش بینی و باورهای خود کارآمدی) نمرات پایین تر، و در ابعاد نگرش های بزهکارانه و ناامیدی نمرات بالاتری کسب کردند. موضوع بعدی در نظریه برزونسکی ساختار هویت است. سبک های هویت بر اساس میزان تعهد و کاوشگری افراد قابل تمایز هستند. و تعهد یک چارچوب ارجاعی از باورها و ارزش هاست که ممکن است خود ساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (۱۵).

مطالعات نشان داده اند که قدرت تعهد با تصمیم‌گیری سنجیده و حساب شده و مقابله مسأله‌مدار مثبت و با اهمال کاری، دلیل تراشی، جهت گیری مبتنی بر دیگری، تمایل به تجربه وحشت قبل از تصمیم و کمرویی کلی رابطه منفی دارد (۱۸). اعتقاد ماتوس[4] روابط نزدیک با والدین با رشد بازنمای‌هایی مرتبط است که نوجوان را قادر می‌سازد تا در کشف محیط پیرامون به خود اعتماد کند و شرایط مناسبی برای نوجوان فراهم می‌کند تا راه‌های متفاوتی برای ارتباط با جهان جستجو کند. و در نتیجه به یک احساس قوی از خود برسد(تعهد). بنابراین تعهد و جستجوگری تحت تأثیر کیفیت وابستگی به والدین هستند (۲۰). والدین نقش مهمی در هویت نوجوانان دارند. مطالعاتی که رابطه رشد هویت با سبک زندگی والدین را می‌سنجد، نشان می دهد والدین دموکرات که نوجوانان خود را تشویق به شرکت در تصمیم گیریهای خانوادگی می کنند، هویت موفق را در آنان پروش می دهند. والدین دیکتاتور که رفتار نوجوانان را مهار می‌کنند، بدون اینکه به آنها اجازه ابراز وجود بدهند، هویت فرمانشی را در آنها پرورش می‌دهند و بالاخره والدین سهل انگار که نوجوانان را کمتر راهنمایی می کنند و اجازه تصمیم گیری را کاملا در اختیار خود نوجوان می گذارند، هویت سرگردان را در آنها ایجاد می کنند (۲۱). گلاسر[5] معتقد است نوجوان از طریق تعامل و درگیری عاطفی با اطرافیان و به خصوص والدین به توسعه هویت خود می‌پردازد. در این زمینه پژوهش های گوناگون نیز نشان می‌دهد که رفتار والدین در نوع برداشتی که نوجوانان از خود دارند تأثیر می‌گذارد (۲۲). برزونسکی نیز معتقد است که سبک فرزند پروری والدین با شیوه ای که نوجوان اطلاعات مربوط به خود را پردازش می‌کند یا با شیوه تصمیم‌گیری ها و تعارض های مربوط به هویت رابطه دارد. نوجوانانی که جهت‌گیری اطلاعاتی در پردازش مسائل هویتی خود دارند، احتمالاً در یک خانواده قاطع و مطمئن رشد یافته‌اند. والدینی که از سبک تربیتی قاطع و منطقی برخوردارند، بر تنظیم معیارهای صحیح، نظارت دقیق و توضیح اصول حاکم بر خانواده در یک محیط پذیرا

[1] - Eri kson
[2] - Phillips
[3] - Pittman
[4] - Matos
[5] - Glasser

همراه با توجه عاطفی تأکید دارند (۱۶). در همین راستا پژوهش حاظر با هدف مقایسه سخت کوشی و سبک هویت فرزندان طلاق و غیر طلاق انجام شده است.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه ای بود و جامعه آماری پژوهش شامل ۱۱۲ نفر(۵۶ گروه طلاق و ۵۶ گروه غیر طلاق) از دانش آموزان مقطع دبیرستان منطقه ۱۸ تهران بود که به شیوه در دسترس انتخاب شدند. از نظر جنس تمام آزمودنی ها دختر بودند. همچنین از لحاظ طبقه اجتماعی و خانوادگی همه از منطقه ۱۸ تهران انتخاب شدند. همچنین تحصیلات پدر و مادر در یک سطح و اکثرا دیپلم بودند. همچنین در پژوهش حاضر از پرسشنامه های زیر استفاده شد:

پرسشنامه سبک هویت برزونسکی (ISI):

در این پژوهش از پرسشنامه سبک هویت برزونسکی (ISI) ،استفاده شد. این آزمون یک ابزار خودگزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیر مقیاس تشکیل شده است که ۳ تا از آنها شامل سبک های هویت و چهارمین زیر مقیاس مربوط به تعهد است . زیر مقیاس های پرسشنامه سبک هویت عبارتند از: ۱- جهت گیری اطلاعاتی ۲- جهت گیری هنجاری ۳- جهت گیری سردرگم /اجتنابی ۴- تعهد آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای(۱= اصلاً شبیه من نیست، ۵- کاملاً شبیه من است) مشخص سازد که هر یک از عبارات تا چه حد نشان دهنده ویژگی های شخصیتی وی است. فرم مخصوص دانش آموزان (ISI-6G) که بر روی دانش آموزان سال ششم متوسطه هنجاریابی شده است و شباهت زیادی به پرسش نامه اصلی دارد، در ایران توسط غضنفری(۱۳۸۳) بر روی نمونه ای شامل ۱۸۳۲ دانش آموز دبیرستانی (۹۶۸ دختر و ۸۶۴ پسر) اجرا و هنجاریابی شده است. نتایج پژوهش حاکی از پایایی مطلوب آزمون است. که پایایی کل پرسش نامه ۷۴٪ سبک هویت اطلاعاتی۶۵٪ سبک هویت هنجاری ۵۱٪ سبک هویت سردرگم ۶۳٪ است.

پرسشنامه سخت کوشی کوباسا:

برای بررسی سخت کوشی فرزندان از پرسش نامه سخت کوشی کوباسا (P.V.S) استفاده شود. این پرسش نامه که توسط کوباسا(۱۹۸۹) ساخته شده است، از ۵۰ عبارت تشکیل شده که هر عبارت به صورت یک جمله بیان شده است که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (اصلا صحیح نیست) تا ۳ (کاملا صحیح است) نمره گذاری می‌شود. مدی در پی تحلیل عوامل این مقیاس سه عامل یاد شده را بدست آورده و روایی و پایایی قابل قبولی را برای مقیاس سخت کوشی گزارش نمود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که مؤلفه های سخت کوشی یعنی تعهد، کنترل و چالش هر یک به ترتیب از ضریب پایایی ۷۰٪، ۵۲٪ و ۵۲٪ برخوردارند و این ضرایب برای کل صفت سخت کوشی ۷۵٪ محاسبه شده است. این پرسش نامه در ایران برای اولین بار توسط قربانی در سال ۱۳۷۳ محاسبه شده و در موارد لازم اصلاحات به عمل آمده است. مطالعه قربانی نشان داد که ضریب پایایی پرسش نامه برای کنترل ۷۰٪، تعهد ۵۲٪ و چالش ۵۲٪ است. و این ضریب برای کل صفت سخت کوشی ۷۵٪ محاسبه شد که پایایی قابل قبولی است.

یافته ها :

با استفاده از جدول‌های میانگین و انحراف معیار تحلیل توصیفی انجام شد که نتایج آن در جدول (۱)، آورده شده است.

جدول (۱)، میانگین و انحراف معیار سبک‌های هویت، سخت‌کوشی و ابعاد آن در دو گروه فرزندان طلاق و غیر طلاق

متغیر		گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سبک های هویت	اطلاعاتی	غیرطلاق	۵۶	۳۷/۸۰	۶/۴۵
		طلاق	۵۶	۳۶/۰۸	۷/۲۷
	هنجاری	غیرطلاق	۵۶	۳۳/۳۵	۵/۹۷
		طلاق	۵۶	۳۰/۷۱	۶/۶۱
	سردرگم	غیرطلاق	۵۶	۲۳	۳/۵۸
		طلاق	۵۶	۲۵/۱۶	۳/۶۱
	تعهد	غیرطلاق	۵۶	۲۷/۵۷	۵/۷۳
		طلاق	۵۶	۲۴/۹۲	۴/۷۷
ابعاد سخت‌کوشی	کنترل	غیرطلاق	۵۶	۳۹/۹۶	۵/۳۳
		طلاق	۵۶	۳۶/۳۲	۹/۲۷
	تعهد	غیرطلاق	۵۶	۳۴/۵۰	۶/۰۳
		طلاق	۵۶	۳۱/۴۲	۶/۳۵
	مبارزه جویی	غیرطلاق	۵۶	۳۵/۲۸	۵/۲۶
		طلاق	۵۶	۳۳/۴۶	۵/۹۲
نمره کل سخت کوشی		غیرطلاق	۵۶	۱۰۹	۱۳/۷۱
		طلاق	۵۶	۱۰۱	۱۴/۵۹

همانگونه که در جدول بالا دیده می‌شود بین میانگین گروه‌ها به نظر می‌رسد تفاوت معناداری وجود دارد به منظور بررسی این تفاوت‌ها از آزمون های آماری استفاده شد.

پیش از انجام آزمون‌های پارامتریک (تحلیل واریانس چند متغیره و تی مستقل)، مفروضه‌های اصلی تحلیل تحلیل واریانس چند متغیره (آزمون باکس برای همسانی ماتریس‌های واریانس- کوواریانس، آزمون لوین برای مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها و آزمون کولموگروف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات) همچنین مفروضه های اصلی تی مستقل (آزمون لوین برای مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها و آزمون کولموگروف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد که سطح معناداری در این آزمون‌ها بیشتر از ۰/۰۵ شده است و استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره و تی مستقل بلامانع است.

براساس داده های مشاهده شده در جدول ۲ دو اثر گروه بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی‌دار است. به همین دلیل برای بررسی اینکه این تاثیر بر کدام یک از متغیرهای وابسته معنی‌دار است از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۲؛ نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) بر سبک های هویت در دو گروه

منبع	لامبدا ویلکز	مقدار	F	dF فرضیه	Df خطا	P	Eta
گروه		۰/۷۸	۷/۵۰	۴	۱۰۷	۰/۰۰۱	۰/۲۱

همان گونه که در جدول ۴-۳ ملاحظه می شود تحلیل واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که اثرات بدست آمده برای گروه در سبک هویت اطلاعاتی (F=۱/۷۴ , p>۰/۰۵) معنادار نیست اما بین سبک های هویت هنجاری (F=۴/۰۷ , p<۰/۰۵)، تعهد (F=۴/۱۸ , p<۰/۰۵)، سردرگم (F=۴۲/۴۳ , p<۰/۰۵)، معنادار است.

جدول (۳)، نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه سبک های هویت در دو گروه (فرزندان طلاق و غیر طلاق)

منبع	گروه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	ضریب اتا
سبک‌های هویتی	اطلاعاتی	۸۲/۲۸	۱	۸۲/۲۸	۱/۷۴	۰/۱۹۰	۰/۰۱
	هنجاری	۱۹۵/۵۷	۱	۱۹۵/۵۷	۴/۹۲	۰/۰۲۹	۰/۰۴
	تعهد	۱۳۰/۷۲	۱	۱۳۰/۷۲	۱۰/۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۸
	سردرگم	۱۹۵/۵۷	۱	۱۹۵/۵۷	۷/۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۶

جدول ۴- نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه نمره کل سخت‌کوشی در فرزندان طلاق و غیرطلاق

متغیر	تعداد	درجه آزادی	t	سطح معناداری
نمره کل سخت‌کوشی	۱۱۲	۱۱۰	۳/۱۸	۰/۰۰۲

همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که اثرات بدست آمده برای دو گروه (p<۰/۰۵) معنادار است. بنابرین نتیجه می‌گیریم که بین میانگین دو گروه مورد مقایسه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد که سخت کوشی در فرزندان غیر طلاق بیشتر از فرزندان طلاق است.

جدول (۵)، نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) بر ابعاد سخت‌کوشی در دو گروه (فرزندان طلاق و غیر طلاق)

لامبدا ویلکز منبع	مقدار	F	dF فرضیه	Df خطا	P	Eta
گروه	۰/۲۵	۳/۵۲	۳	۱۰۸	۰/۰۱۸	۰/۰۸

براساس داده‌های مشاهده شده در جدول ۵ دو اثر گروه بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی‌دار است. به همین دلیل برای بررسی اینکه این تاثیر بر کدام یک از متغیرهای وابسته معنی‌دار است از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶)، نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه ابعاد سخت‌کوشی در دو گروه (فرزندان طلاق و غیر طلاق)

منبع	گروه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	ضریب اتا
ابعاد سخت‌کوشی	کنترل	۳۷۱/۵۷	۱	۳۷۱/۵۷	۶/۴۸	۰/۰۱۲	۰/۰۵
	تعهد	۲۶۴/۱۴	۱	۲۶۴/۱۴	۶/۸۷	۰/۰۱۰	۰/۰۵
	چالش	۹۲/۸۹	۱	۹۲/۸۹	۲/۹۵	۰/۰۸۸	۰/۰۲

همان گونه که در جدول ۶ ملاحظه می شود تحلیل واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که اثرات بدست آمده برای گروه در ابعاد سخت‌کوشی؛ کنترل ($F=۶/۴۸$, $p<۰/۰۵$)، تعهد ($F=۶/۸۷۰۷$, $p<۰/۰۵$) معنادار است. اما در بعد چالش ($F=۲/۹۵$, $p<۰/۰۵$) معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه سخت کوشی و سبک هویت در فرزندان طلاق و غیر طلاق انجام شد. نتایج نشان داد که بین سخت کوشی فرزندان طلاق و غیر طلاق به جز مقیاس تعهد تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک هویت فرزندان طلاق و غیر طلاق به جز سبک هویت اطلاعاتی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش هم سو است با پژوهش های زیر: (۲۳)؛ (۵)؛ (۲۴)؛ (۲۵). اشاره کرد.

نتایج مطالعه نقی پور (۲۴) نشان داد که بین عملکرد خانواده و سخت کوشی فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. فرای و شر (۲۰۱۰؛ به نقل از کلانتری،) (۵)، در تحقیقات خود در زمینه فرزندان طلاق به این نتیجه رسیدند که این فرزندان در زمینه‌های پیشرفت، برتری جویی، علاقه به کسب مهارت، پشتکار در کارها، استقامت و تحمل وقایع منفی زندگی در آینده کاستی هایی نشان می‌دهند. نتایج مطالعه لاملا و همکاران نشان داد که فرزندان طلاق مشکل سازگاری و اضطراب دارند. کلانتری نیز نشان داد که این فرزندان مشکل هویت و عزت نفس دارند. فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷؛ به نقل از نقی پور) (۲۴)، نشان دادند که افراد دارای سبک هویت سردرگم اجتنابی، در مقایسه با شرکت‌کنندگان دارای سبک اطلاعاتی و هنجاری در برخی از شاخص های چندگانه بهزیستی(شامل عزت نفس، خوش بینی و باورهای خود کارآمدی) نمرات پایین‌تر، و در ابعاد نگرش های بزهکارانه و ناامیدی نمرات بالاتری کسب کردند. بهروزی و همکاران (۲۳) در تحقیقی با عنوان مقایسه تاب آوری، سلامت عمومی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دختران طلاق و غیر طلاق نشان دادند که بین تاب آوری دختران طلاق و غیر طلاق تفاوت وجود دارد.

از آنجا که سخت کوشی به انگیزه افراد برمی‌گردد، در نتیجه فرزندان طلاق چون انگیزه کم تری دارند، در نتیجه عملکرد تحصیلی تری دارند. همچنین به دلیل اضطرابی که تجربه می‌کنند، نمی‌توانند تمرکز کافی را روی کار و اهداف خود بگذارند و همین مسائل باعث می‌شود که سخت کوشی کمتری داشته باشند. از طرف دیگر عزت نفس و اعتماد به نفس پایین آنها روی سخت کوشی آنها تأثیر می‌گذارد. همچنین چون در درون آنها به دلیل آسیب هایی که خورده اند، ترس کاشته شده است، باعث می‌شود که سخت کوشی کمتری داشته باشند طلاق والدین و به خصوص برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود که آنها در کسب هویت با مشکل مواجه باشند. و چون خود را نمی‌شناسند و ارزش های خود را نمی‌دانند، گرفتار بزهکاری، مواد مخدر و الکل می‌شوند. و گاهی با پرخاشگری می‌خواهند خود را ثابت کنند. دلایلی مثل توجه ناکافی پدر و مادر، شاهد درگیری و اختلافات پدر و ماد بودن، نگرفتن الگو مناسب از والدین در سنین بسیار مهم نوجوانی که در این سن بیش از هر زمان دیگر نیازمند تأیید و آغوش گرم خانواده هستند، باعث ایجاد تناقض در آنها می‌شود. و دچار رابطه مهر و کین با پدر و مادر می‌شوند و همین تناقض ها باعث می‌شود که نتوانند هویت خود را کسب کنند.

گرچه نمره مبارزه جویی فرزندان طلاق یک نمره بیشتر از فرزندان غیر طلاق بود اما این نشان دهنده سخت کوشی آنها نیست و از این ناشی نمی‌شود که آنها اهداف و آرمان هایی دارند که به آنها تعهد دارند و مسائل و مشکلات را به عنوان چالش می‌بینند. زیرا اولاً نمره تعهد و کنترل آنها پایین تر از فرزندان غیر طلاق بود و ثانیاً این نمره بالای مبارزه جویی به دلیل اضطراب، ترس و احساس عدم امنیتی است که این فرزندان دارند.

مقوله امنیت بر حالات روان شناختی و بر نحوه عملکرد انسان تأثیر بزرگی دارد. از آنجا که امنیت به معنای فقدان خوف است در نتیجه گریز از خوف سبب تلاشی برای کسب امنیت است (۲۶). فرزندان طلاق به دلیل اضطراب و ترس و احساس عدم امنیتی که دارند باعث می‌شود که حالت مبارزه جویی داشته باشند و می‌خواهند درگیر مسائل و مشکلات شوند و این طور نشان می‌دهند که این مشکل تهدیدی برای آنها ایجاد نمی‌کند و با این کار می‌خواهند به حس امنیت برسند یا احساسات منفی را سرکوب کنند و با آن روبه رو نشوند انگار که مسأله ای رخ نداده است. گرچه نمره سبک هویت اطلاعاتی در فرزندان طلاق تفاوت زیادی با فرزندان غیر طلاق نداشت، اما با توجه نمره میانگین آنها در دو سبک دیگر مخصوصا سبک هویت سردگم به نظر می‌رسد که این بالا رفتن نمره آنها ناشی از عوامل دیگری نیز باشد. فرزندان طلاق به دلیلی آسیبی که خورده اند و ترسی که احساس می‌کنند، می‌خواهند راجع به موضوعات ابتدا مطمئن شوند بعد انتخاب کنند و گاهی این جمع آوری اطلاعات و بررسی جوانب کار به صورتی افراطی صورت می‌گیرد به دلیل اینکه نگران شکست و اشتباه هستند. از طرفی چون در زمینه هایی در زندگی احساس شکست و درماندگی و سرخوردگی می‌کنند، می‌خواهند در جنبه های دیگر زندگی این را جبران کنند. در پایان طلاق همیشه با آسیب هم برای والدین و هم فرزندان همراه است اما مهم برخورد واقع بینانه با این پدیده و کمک گرفتن از یک متخصص است تا افراد درگیر در این معضل مخصوصا فرزندان بتوانند با سلامت از این بحران بگذرند.

منابع و مراجع

1) Emery, R. E. (2013). Cultural sociology of divorce, springer, new york.
2) Kalmijn, M. (2015). Relationships Between fathers and adult children: the cumulative effects of divorce and repartnering. Journal of family issues, 1-23

۳) مک کی، متیو (۲۰۰۱). *طلاق*. ترجمه شاه نظر، ندا (۱۳۸۷) تهران: قطره

4) Davies, Hayley. (2015). Shared Parenting or Shared Care? Learning from Divorce Shared Care Arrangement, Journal of children & society volume, 29, 1-14.

۵) کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۳). *طلاق در ایران*. تهران: جامعه شناسان.

۶) علی پور، اسماعیل و جاوید، مرضیه (۱۳۹۴). سخت رویی. تهران: پارسینه

7) Kobasa, S.C. (2002). Stressful life events, personality, and ltealth: An inquiry into hardiness. Journal of personality and social psychology, 37: 1-114
8) Maddi, Salvatore R. (2013). Hardiness, Turning Stressful Circumstances into Resilient Growth, springer, new York.
9) Sandvik, Asle M. Hansen, A. L. Bartone, P. T. (2015). Psychopathy, anxiety, and resiliency – Psychological hardiness as a mediator of the psychopathy–anxiety relationship in a prison setting. Journal of Personality and Individual Differences, 72, 30–34

۱۰) قاسمی قمی، فریده (۱۳۹۳). بررسی رابطه تفکر انتقادی، سخت کوشی، انگیزه پیشرفت تحصیلی و خلاقیت در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد شهر ری. پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۱۱) انجمن جامعه شناسی ایران و شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۳). بحران هویت و آنومی. تهران: آگاه

۱۲) فرزانه خو، مرجان؛ محمدیان، احمد و مولوی، حسین (۱۳۸۸). تأثیر عملکرد کلی خانواده بر وضعیت هویت دانش آموزان. علوم رفتاری. ۳ (۲)، ۳۳-۲۳.

13) Kaczan, R,. Brzezińska, A,. & Wojciechowska, J. (2013). Social participation, identity style and identity dimensions in late adolescence among students of three types of vocational schools. Polish Psychological Bulletin 44(3), 310-321.
14) Dunkel, Curtis S. Decker, Michelle. (2012). Using Identity Style and Parental Identification to Predict Political Orientation. Journal of Curr Psychol, 31, 65–78
15) Berzonsky, Michael D. Soenens, Bart and Papini, Dennis R. (2013). Development and Validation of the Revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor Structure, Reliability, and Validity. Journal of Psychological Assessment, 25 (3), 893-904
16) Berzonsky, Michael D. Cieciuch, Cieciuch. (2014). Mediational Role of Identity Commitment in Relationships between Identity Processing Style and psychological Well-Being.
17) Vaziri, Sh., Lotfi Kashani, F., Jamshidifar, Z., & Vaziri, Y. (2014). Brief report: the Identity Style Inventory- validation in Iranian college students. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 128, 316 – 320

۱۸) شاهی، حمیدرضا؛ سیاح سیاری، نیمتاج و رنجگر، بایرامعلی (۱۳۸۹). رابطه ی بین هویت و حمایت اجتماعی والدین در میان نوجوانان. اندیشه و رفتار. ۴ (۲)، ۲۵-۱۵.

19) Fakir M. A., (2015). The effects of divorce on children: Mothers perpectives in UAE. Journal of divorce & remarriage, 56, 347- 368.

۲۰) امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸). هویت از دیدگاه روان شناسی. یزد: دانشگاه یزد

۲۱) آقا محمدیان، حمیدرضا و شاره، حسین (۱۳۸۶). رابطه‌ی بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه. روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران. ۱۳ (۲)، ۴۱-۳۲.

۲۲) پرهیزکار، آذردخت؛ محمودنیا، علیرضا و محمدی، شهناز (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد- فرزند در دانش آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. فصلنامه روان شناسی کاربردی. ۳ (۱۰)، ۴۳-۳۳.

۲۳) بهروزی، ناصر؛ شهنی ییلاق، منیجه؛ عالی پور، سیروس و پایندان، طیبه (۱۳۹۰). مقایسه تاب آوری، سلامت عمومی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دختر دبیرستانی خانواده‌های طلاق و غیر طلاق شهر اهواز با کنترل وضعیت اجتماعی-اقتصادی. روان شناسی کاربردی، ۴ (۱)، ۸۹-۷۹.

۲۴) نقی پور، مسعود (۱۳۹۰). رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با سخت رویی فرزندان. روان شناسی تربیتی. ۲ (۳)، ۸۸-۷۹.

25) Lamela, D,. Bastos, A., & Feinberg, M., (2015). Typologies of post- divorce coparanting and parental well- being parenting quality and childrens psychological adjustment, springer, new york

۲۶) باقری، فریبرز (۱۳۹۲). الگوی ارتباط والد – فرزند، مدل نظری فرزندپروی بر مبنای هستی شناسی و انسان شناسی اسلامی. فصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی. ۱ (۱)، ۶۸-۵۶.